لزوم تدوین قواعد فقه اللغة

این‌ها ذوقیاتی است که اگر جمع شد، حتی اگر یکی-دو موردش، به هم وصل شود، می‌بینید کلیدی است برای لغات دیگر. چند بار دیگر عرض کرده‌ام که گمان من این است که یکی از بهترین گزینه‌ها برای اعمال هوش مصنوعی که مخالفی هم پیدا نمی‌کند، همین فقه اللغه است و حوزه هم باید روی این مساله سرمایه‌گذاری کند. حال در فقه خواهند گفت: چرا می‌خواهید در فقه هوش مصنوعی بیاورید؟! اجتهاد درست نیست و ... . مخالف و موافق در فقه پر رنگ است. خیلی خُب!، ولی هوش مصنوعی در فقه اللغة گمان نمی‌کنم یک نفر مخالف باشد. اگر هست، به من بگویید. خُب، این دیگر مخالفی ندارد. این هوشی است که می‌تواند کارهایی را سریعتر و حساب شده‌تر انجام بدهد؛ علی ای‌ّحال، انسان محدود است؛ یک چیزهایی دارد که قویتر از جهات انسان است. اگر حوزه سرمایه‌گذاری کند و هوش مصنوعی را در فقه اللغة و اشتقاق کبیر و اکبر به کار بگیرند، فوائد خیلی خوبی دارد. یعنی همین چیزهایی که ما به عنوان ذوقی می‌گوییم، او بعدًا با فاصله‌ی کوتاهی، بین میلیون‌ها مورد استعمالات و ...، می‌تواند شواهدی را پیدا کند و به هم مرتبط کند. اما این برای ما، ممکن نیست. لذا به گمانم یکی از مواردیکه محک خوبی است، مثال خوبی است و تجربه‌ی خوبی است، فقه اللغة است.

در فقه اللغة، صد سال و بیش از صد سال، دانشگاه‌های عربی از حوزه‌ی ما، جلوتر هستند. من این را مکرر گفته‌ام. این مایه‌ی تأسف است. اگر الآن بخواهیم در حوزه‌ی فقه اللغة کار کنیم، مجبور هستیم از صد سالی که آن‌ها کار کرده‌اند، استفاده کنیم. البته صد سال اخیر را می‌گوییم، قبلش که جای خودش است. من فقط صد سال اخیر را می‌گوییم. شما ببینید در میان آنان، چند کتاب نوشته شده است.

علی ای‌ّحال، ماده‌ی «سلم»، به این صورت است. یعنی لغتی است که «س» و «ل» و «م» دارد. این خصوصیات را در بردارد.

شاگرد: یک وقت وارد این بحث می‌شوید تا یک چیزی را سر برسانید، یک وقتی هم مطلبی را می‌گویید که راه‌گشا برای موارد مشابه است. لطفا هر چه در ذهنتان از اینطور موارد هست، بفرمایید.

استاد: نه اینکه اینطور ذوقیات را انسان نگوید.

شاگرد: تجربه‌ی شخصی بنده است که هر چه گفته‌ای و به دنبالش رفتیم، پشت سرش مطالب دیگری روشن شده است.

استاد: مهمتر این است که [این موارد] در روایات معصومین علیهم‌السلام وجود دارد. دیده‌اید می‌گویند گرا می‌دهند؟! در کلماتشان به این‌ها گرا داده شده است. قبلًا هم عرض کرده‌ام. وارد آن نمی‌شوم. پشت کتاب توحید صدوق روایاتی که راجع به همین لغت می‌شود، ردیف کرده‌ام. چهل مورد شماره گذاشته‌ام. چهل مورد، روایاتی هست که ذهن را برای مباحث لغت تحریک می‌کند. فکر در لغت و امثال آن. اگر دنبالش بروید، می‌بینید شوخی نیست. حضرت علیه السلام بفرمایند: اگر امکان

تعلیم برای من فراهم شود، من تمام دین و شرائع و اسلام را فقط از کلمه‌ی مبارکه‌ی «صمد»، نشر می‌دهم. فی الجمله آن را توضیح داده‌اند. «الف و لام و ...»، این‌که چرا «ل»، در صوت مخفی می‌شود و صاد چیست و ... . در توحید صدوق هست. وقتی امام معصوم علیه السلام، از «صمد» و حروفش شروع می‌کنند ... . منظور این‌که، حرف درستی است ولی فعلاً در زمان ما این علم، هنوز آن رشد حد نصاب خودش را ندارد. وقتی کلاسیک شدن یک علم به حد نصاب رشدش نرسیده است، مدام مشتمل بر ذوقیات می‌شود. ذوقیاتی که بافتنی است. بخشی از آن‌ها گاهی درست در می‌آید و گاهی بخش دیگرش بافتنی‌هایی است که وقت می‌گیرد. به این خاطر عرض می‌کنم.

بازبینی #3
ایجاد شده 22 ژوئن 2024 14:04:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژوئن 2024 14:45:47 توسط ... .